

گزارش

مجمع ایرانی دفاع از حقیقت

Iranian Council For
Defending The Truth



شکاف‌های آمریکا

۱۸



مصرف و ذخیره‌ی انرژی

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ



فهرست

۱

۲

مقدمه

یافته‌ها

مصرف انواع انرژی در آمریکا	۱۲
واردات فراورده‌های نفتی و تغییر قیمت انرژی	۱۲
چالش‌های مدل مصرف انرژی	۱۳
سیاست‌هایی برای حل چالش انرژی	۱۴
پرونده‌ای جنجالی	۱۵



*Iranian Council For
Defending The Truth*



مقدمه



مقدمه

منابع سنتی انرژی (نفت، زغال‌سنگ و گاز طبیعی) و توسعه اقتصادی به قدری درهم‌تنیده هستند که اگر عرضه این نوع از منابع طبیعی متوقف یا تمام شود، آمریکا و در واقع کل جهان با چالش‌های جدی مواجه خواهند شد. مهم‌ترین گفتمان‌های چالشی درباره‌ی منابع انرژی در آمریکا بحث بر سر بهترین روش برای توسعه منابع جدید انرژی، نحوه حفاظت از منابع موجود و تصمیم‌گیری در مورد نحوه اولویت‌بندی صحیح برای استفاده از طیف وسیعی از منابع انرژی است. در خصوص تأمین منابع انرژی و توسعه‌ی آن، دوگانه‌ی استفاده از انرژی‌های پاک (سبز) و یا انرژی‌های سنتی (فسیلی) برای جامعه و سیاستمداران آمریکا موجب ایجاد دوقطبی شده است.





*Iranian Council For
Defending The Truth*



یافته‌ها

۲



مصرف و ذخیره‌ی انرژی

مصرف انواع انرژی در آمریکا

واردات فراورده‌های نفتی و تغییر قیمت انرژی

آمریکا بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان است زیرا مردم آن حدود ۲۶ درصد از منابع انرژی موجود را مصرف می‌کنند. منبع اصلی استفاده از این انرژی، سوخت‌های فسیلی، به‌ویژه نفت است که تقریباً ۴۰٪ از کل نیاز این کشور را تأمین می‌کند و پس از آن زغال‌سنگ (۲۳٪) و گاز طبیعی (۲۳٪) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. ۱۴ درصد باقی‌مانده از ترکیبی از انرژی هسته‌ای و برق‌آبی و سایر منابع تجدید پذیر تأمین می‌شود. به لحاظ جغرافیایی، اولویت منابع انرژی در مناطق روستایی با چوب و سپس زغال‌سنگ است. در مناطق شهری نفت مهم‌ترین منبع محسوب می‌شود. مناطق شهری مصرف سوخت بالاتری نسبت به مناطق روستایی دارند. با این اوصاف مدل مصرف و حتی نوع انرژی مناطق شهری و روستایی موضوع دوگانه‌ی انرژی‌های نو و فسیلی را تشدید می‌کند. بعد از مصارف شهری و روستایی خانوار، مهم‌ترین و بیشترین مصرف سرانه‌ی انرژی به واحدهای صنعتی و تولیدی مرتبط است و بعد از آن صنعت حمل‌ونقل مهم‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در آمریکا هستند.

عموماً به دلیل رقابت اقتصادی آمریکا با کشورهای دیگر، سیاستمداران این کشور برای تغییر منابع انرژی از سوخت‌های فسیلی به منابع تجدید پذیر تردید دارند. در این خصوص استفاده از نفت و زغال‌سنگ برای تأمین انرژی جایگاه راهبردی دارد. در کنار صنایع تولیدی و صنعتی، گازوئیل بالاترین میزان مصرف انرژی را در صنعت حمل‌ونقل بعد از نفت و زغال‌سنگ دارد.

در سال ۱۹۷۳، زمانی که اوپک در تلافی حمایت سیاست خارجی آمریکا از اسرائیل، فروش نفت به آمریکا را تحریم کرد، آمریکایی‌ها دریافتند تولید نفت خارجی و کنترل قیمت‌ها می‌تواند برای آن‌ها تأثیرگذار باشد. افزایش قیمت نفت در دهه‌ی اول قرن بیست‌ویک و تبعات منفی آن در اقتصاد آمریکا و محدودیت‌های برخی از کشورهای صادرکننده درمورد آمریکا، نرخ واردات نفت و فرآورده‌های آن را از سال ۲۰۰۴ به بعد کاهش داد. در سال ۲۰۱۴ آمریکا ۳۳۳ میلیارد دلار برای نفت وارداتی هزینه کرد، کمتر از ۳۸۸ میلیارد دلار نسبت به سال ۲۰۱۳، این میزان به مقدار قابل‌توجهی نسبت به ۷۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ کاهش داشته است. رشد منابع داخلی نفت و گاز طبیعی و ارتقای فن‌آوری‌های پیشرفته در فرآیند حفاری در عمق زمین و اکتشافات جدید و گسترش میدان‌ها نفتی در خلیج مکزیک، تگزاس، اوکلاهما و آلاسکا، از دلایل مهم برای کاهش نیازمندی به خارج برای تولید و تهیه نفت و فرآورده‌های آن بود. با این اوصاف، ۵۵ درصد نفت وارداتی آمریکا از منابع خارجی به‌ویژه از عربستان سعودی بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان، تهیه می‌شود.

به‌هرحال، انتظار نمی‌رود بحران هزینه انرژی برای آمریکایی‌ها مشکلی موقتی باشد. با تبدیل شدن کشورهایمانند چین و هند به عمده مصرف‌کنندگان فرآورده‌های نفتی، تقاضا برای نفت افزایش یافت و نه تنها بر قیمت بنزین و محصولات گرمایشی، بلکه بر قیمت تمام‌شده‌ی برخی از محصولات غذایی و تجاری که در مرحله تولید به‌نوعی متکی به نفت بودند، تأثیر گذاشت. آمریکایی‌ها با اکراه دریافتند که نه تنها قیمت بنزین تغییر کرده است، بلکه جهان نیز تغییر کرده و آن‌ها دیگر اقلیتی ممتاز در جهان نیستند که از انرژی ارزان بهره ببرند.



چالش‌های مدل مصرف انرژی

پس از بحران‌های اقتصادی در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ به تدریج جامعه‌ی آمریکا وادار شد تا سبک مصرف انرژی در زندگی روزانه را تغییر دهند. افزایش قیمت سوخت برای خودروها یکی از تبعات بحران بود و سبب شد تا برخی از شهروندان آمریکا در اطراف شهرهای بزرگ برای کم کردن مسیر منزل به محل کار، جابه‌جا شوند. برخی از نظرسنجی‌ها از تمایل آمریکایی‌ها برای تغییر سبک زندگی و حرکت به سمت انرژی‌های غیر فسیلی و نو حکایت دارند. نظرسنجی گالوپ در سال ۲۰۱۳ نشان داد که بیش از ۷۶ درصد از آمریکایی‌ها از تلاش‌های دولت برای توسعه انرژی خورشیدی و بادی و ۷۱ درصد از هزینه‌های دولت برای توسعه منابع سوخت جایگزین در خودروها حمایت کردند.

درحالی‌که آمریکایی‌ها به دنبال دور شدن از اتکای سنتی به سوخت‌های فسیلی و تأکید بر اقدامات مبتنی بر حفاظت از انرژی هستند، دولت ملی درگیر یک مبارزه شدید بر سر تدوین بهترین طرح ملی انرژی است. محافظه‌کاران متقاعد شده‌اند که مشوق‌های مالیاتی برای توسعه منابع انرژی سنتی، کاهش مقررات حفاری نفت در مناطقی که وضعیت حفاظت شده دارند و تلاش‌های گسترده برای افزایش مالیات‌های سوخت‌های فسیلی، راه‌حل مؤثری است.

نوسانات قیمت نفت در دو دهه‌ی اول قرن بیست و یک تغییر قیمت حامل‌های انرژی از جمله بنزین را در پی داشته است. این موضوع با توجه به سبک زندگی آمریکایی برای مصرف سوخت خودروها در دسرساز بود. آمریکایی‌ها عاشق اتومبیل، به خصوص اتومبیل‌های بزرگ هستند و علاقه چندانی به حمل‌ونقل عمومی ندارند. در مقایسه، خودروهای آمریکایی به‌طور متوسط حدود ۲۰ مایل در هر گالن سوخت مصرف می‌کنند درحالی‌که خودروهای اروپایی که بسیار کوچک‌تر هستند، به‌طور متوسط حدود ۴۰ مایل در هر گالن مصرف می‌کنند. همچنین، در آمریکا رفتن به محل کار با اتومبیل شخصی بسیار رایج است. برخلاف آن‌ها اروپایی‌ها، از حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کنند؛ بنابراین تغییر قیمت بنزین با توجه به تغییرات قیمت نفت برای جامعه‌ی آمریکا تبعات اقتصادی مؤثری خواهد داشت. همچنین، برای شهروندان آمریکایی هزینه‌ی سوخت و ارزانی حامل‌های انرژی در اولویت اول قرار دارد. از این رو اغلب نمی‌توانند خود را مجبور کنند پل‌های خورشیدی عظیم را روی پشت‌بام خود قرار دهند. آن‌ها به نصب نیروگاه‌های بادی گران‌قیمت در برخی مناطق کشور نیز تمایل ندارند. در ادامه منابع جایگزین انرژی و برنامه‌های صرفه‌جویی در مصرف با سندروم «نه در حیاط‌خلوت من» مواجه شدند. علت این پدیده زیرا پرداخت هزینه گاز یا نفت برای گرمایش خانه بسیار سهل و ارزان بود.



سیاست‌هایی برای حل چالش انرژی

از آنجایی که مدل محافظه‌کارانه‌ی سیاست کاهش وابستگی به واردات نفت خام، عمدتاً مبتنی بر پیشرفت‌های فناوریانه و انگیزه‌های مبتنی بر بازار بود، دیدگاه لیبرال متکی بر راه‌کارهای مالیاتی دولت، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و استقلال انرژی را مؤثر می‌دانست. از این رو چالش ملی درباره‌ی مسئله‌ی انرژی به دنبال بهترین راه‌حل بود. دولت جورج بوش پسر علی‌رغم مخالفت دموکرات‌ها و طرفداران محیط‌زیست، سیاست ارتقای فن‌آوری و تلاش هم‌زمان برای اکتشاف و استخراج منابع جدید، به‌ویژه در زیستگاه‌های حیات وحش شمال را دنبال کرد. در مقابل بوش، دموکرات‌ها در دولت باراک اوباما، تمرکز خود را برای «پشتیبانی از نسل بعدی سوخت‌های زیستی» قرار دادند. اوباما تلاش کرد آمریکا را در مسیر استقلال از سوخت نفت و بهبود بهره‌وری انرژی تا ۵۰ درصد تا سال ۲۰۳۰، قرار دهد.

همان‌طور که باراک اوباما در جمع خودروسازان در دیترویت در سال ۲۰۰۷ اعلام کرد: «من به دیترویت رفتم، در مقابل گروهی از خودروسازان ایستادم و به آن‌ها گفتم که وقتی رئیس‌جمهور شوم، دیگر بهانه‌ای وجود نخواهد داشت. ما به آن‌ها کمک خواهیم کرد تا تجهیزات خود را بازسازی کنند؛ اما آن‌ها مجبورند خودروهایی بسازند که سوخت کمتری مصرف کنند.»

پرونده‌های جنجالی



بحث‌برانگیزترین موضوع در مورد سیاست انرژی در دوران ریاست جمهوری اوباما، ساخت خط لوله «کی-استون-ایکس‌ال» بود. چنین اقدامی به معنای وابستگی کمتر به نفت خاورمیانه و ایجاد حدود ۴۲۰۰۰ شغل در زمان ساخت و ساز دوساله و ۳۵۰۰۰ شغل دائمی برای حفظ خط لوله بود. در منطقه استندینگ راک سیوکس، بیش از ۵۰۰۰ معترض بومی آمریکایی ادعا کردند که خط لوله نفتی ۱/۸ میلیارد دلاری «داکوتا اکسس»، از آب‌های مقدس عبور می‌کند و هرگونه نشت نفت در امتداد رودخانه به آب آشامیدنی آن‌ها آسیب می‌رساند. در اواخر سال ۲۰۱۶، پس از روزها درگیری شدید بین معترضان و پلیس فدرال و گارد محلی، گروهی از مهندسين ارتش آمریکا، به نفع معترضین شهادت دادند و عملیات ایجاد خط لوله متوقف شد؛ اما پس از حضور ترامپ در کاخ سفید، عملیات ایجاد خط لوله بدون توجه به اعتراضات از سر گرفته شد.



علاوه بر تضاد دیدگاه در بین جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در صحنه‌ی سیاسی، مردم در روستا و شهر نیز برای اتخاذ راهبردی مؤثر در حفظ و ارتقای آینده‌ی انرژی در آمریکا، اختلاف نظر دارند. هم‌چنین، رسیدن به شرایط ایدئال برای بهره‌برداری کامل از منابع انرژی پاک و تجدید پذیر، ۳۰ یا ۴۰ سال زمان می‌برد. در این میان تنها سیاستی که مورد وثوق هر دو طرف و جامعه‌ی آمریکایی بوده، بهینه‌سازی صنعت حمل‌ونقل و استفاده از انرژی‌های پاک برای سوخت اتومبیل است. از این‌رو بحث برای حفظ محیط‌زیست و آیندگان نبوده، بلکه تنها نکته مورد اختلاف «هزینه» است. هرگونه سیاستی که بتواند بار مالی را از سهم شهروندان آمریکایی بکاهد، مورد وثوق خواهد بود. از این‌رو انرژی‌ها فسیلی در شرایط فعلی آمریکا بهینه بوده و در درازمدت برای آمریکا آثار مخربی داشته و جامعه را در اتخاذ سیاست‌های مناسب رودرروی هم قرار می‌دهد.

ضمائم و منابع

- US Department of Energy, Annual Energy Report, July, ٢٠١٦.
- NIMBY (Not In My Back Yard)
- <https://www.thebalance.com/٢٠٠٨-financial-crisis-٣٣٠٥٦٧٩>
- The data is from the US Energy Information Administration, March ١٧, ٢٠١٦.
- Ashley J. Tellis, "India and China Rise: Competition and Cooperation?" Carnegie Endowment for Peace, January ١٥, ٢٠٠٨.
- Nick Bunkley and Michelene Magrod, "Obama Criticizes Automakers on Fuel Economy," New York Times, May ٧, ٢٠٠٧, www.nytimes.com/٢٠٠٧/٠٥/٠٧/us/politics/٠٧cnd.obama.html
- Keystone XL

